

آن فاداء هفت گفنگ و با و دو

مترجم: خسرو افضلیان



Handwritten text in a cursive script, possibly reading "MOM" or "MOMMY".

آن فاداء هفت گفنگ و با

مترجم: خسرو افضلیان

سرشناسه: آندو، تادائو، ۱۹۴۱ - م.

Ando, Tadao

هفت گفتگو با تادائو آندو/ [مصاحبه کننده مایکل اوپینگ]:

مترجم خسرو افضلیان؛ ویراستار مهدی آتشی.

مشهد: آهنگ قلم، ۱۳۸۸.

۱۲۰ص.

مجموعه گفتگو با معماران؛ کتاب دوم

شابک: ۶-۴۲-۵۴۵۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Tadao Ando du beton et...

موضوع: آندو، تادائو، ۱۹۴۱ - م. — مصاحبه‌ها

موضوع: معماران — ژاپن — مصاحبه‌ها

شناسه افزوده: افضلیان، خسرو، ۱۳۲۰- مترجم

شناسه افزوده: اوپینگ، مایکل

شناسه افزوده: Auping, Michael

شناسه افزوده: آتشی، مهدی، ۱۳۶۰- ویراستار

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۳۵ ۱۸/۸ NA۱۵۵۹

رده‌بندی دیوبی: ۲۰/۹۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۸۱۷۵۵

مجموعه گفتگو با معماران

کتاب دوم: هفت گفتگو با تادائو آندو

مترجم: خسرو افضلیان

ویراستار: مهدی آتشی

طرح روی جلد: مینو جامی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۰۰۰

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی

شابک: ۶-۴۲-۵۴۵۲-۶۰۰-۹۷۸

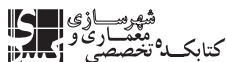
قیمت: ۳۵۰۰ تومان



انتشارات: آهنگ قلم

نشانی انتشارات: مشهد صندوق پستی ۱۳۶۳-۹۱۸۹۵ تلفن: ۰۹۱۵۳۲۴۱۶۰۲-۷۶۴۶۳۰۹

www.Ahanghalem.ir



این کتاب زیر نظر کتابخانه تخصصی کسری منتشر شده و کلیه حقوق چاپ و نشر آن محفوظ می‌باشد.

مرکز پخش: ۷۶۴۱۳۷۲ - ۰۵۱۱ همراه: ۰۹۱۵-۵۱۲-۴۲۱۹

چه کسی تادائو آندو را می‌شناسد؟ چه کسی می‌داند او از سن چهارده سالگی شروع به ساختن کرده است؛ آن هم برای آنکه خانه مادر بزرگ خود که کاسب خرده‌پایی در مرکز شهر اوزاکا بود را اندکی بزرگ‌تر کند. در آغاز دهه شصت میلادی به مسافرت می‌رود؛ در ابتداء به وسیله کشتی و سپس با قطار ترانس سیبری، برای اینکه به پاریس بیاید و به دیدار لوکوربوزیه برود؛ لوکوربوزیه‌ای که آندو در حجره‌های کتاب‌فروشی حاشیه رودخانه سن^۱ یک کتاب در مورد او پیدا می‌کند و او را شیفته می‌سازد. هنگامی که به پاریس می‌رسد، لوکوربوزیه تازه در گذشته است. آندو به بازدید از ساخته‌های لوکوربوزیه می‌پردازد، دهکده سوئیس^۲ در کوی بین‌المللی دانشگاه پاریس، ویلا ساوا در پواسی^۳ که در این زمان نیمه ویران است و سپس واحدهای اقامتی هییتاسیون در مارسی^۴، این بلوک‌های بزرگ بتنی که نام - پرمعنای - سیتیه رادیوز^۵ را بر خود دارند. آندو شیفته شده است. بتن و تمام آنچه که در این کار وجود دارد هرگز او را ترک نخواهند کرد.

بتن متعلق به هر دوره‌ای که باشد، در معنای فیزیکی، تبدیل به المانی شده که نمی‌توان آن را دور زد. این ماده زشت است، و غالباً بد پیر می‌شود. (یعنی در برابر زمان بد ایستادگی می‌کند و آسیب‌پذیر است). اما ساختمان‌های آندو واقعاً پر نور هستند. ساختمان‌هایی که غرق در نور هستند؛ احساس جدید فضایی به وجود می‌آورند، مانند تمام معماری‌های خلاقه دیگر. و بتن؛ خاص و ویژه است.

(۱) در حاشیه رودخانه سن، نزدیک کلیسای نوتردام دوپاری و بلوار و میدان سن میشل کتابفروش‌های حجره‌ای هستند. هر کدام صندوقی دیواری به رنگ سبز تیره دارد که در هنگام فعالیت آن را باز می‌کند و کتاب‌های خود را در آن محدوده‌ای که به او تعلق دارد، قرار داده و خود بر صندلی در پیاده‌رو که بخشی از بساط او پهن شده است می‌نشیند و انواع کتاب‌ها و گاه کتاب‌های نادر و قدیمی، بیشتر در زمینه هنر، معماری، ادبیات، زبان، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی و... را در معرض نمایش و فروش گذارده‌اند. این بساطی‌ها که روحیه‌ای بسیار جالب و زیبا آفریده‌اند، به نام بوکینیسیت‌ها (Bouquinistos) مشهور هستند. در دنیا این چنین بساط و کتاب‌فروش‌هایی را نداریم و ندیده‌ایم. این نوع کتاب‌فروش‌ها که از زمان‌های بسیار قبل در این محدوده مستقر هستند و شهرت جهانی دارند، جلوه‌ای خاص به شهر پاریس و خصوصاً این بخش از شهر داده‌اند.

(۲) در واقع این ساختمان چنین نامی ندارد بلکه به آن پابویون سوئیس می‌گویند که در سال‌های ۱۹۳۰ توسط لوکوربوزیه ساخته شده و یک خوابگاه دانشجویی می‌باشد.

3) poissy

(۴) Marseille. یکی از بندرهای بسیار با اهمیت و شاید دومین شهر فرانسه که در کنار دریای مدیترانه در جنوب فرانسه قرار دارد.

5) Cite Radiause

فہرست مطالب

مقدمہ مایکل اوپینگ

مقدمہ مترجم

- ۱۵..... گٹھنگوی اول: ۱۳ می ۱۹۹۸
- ۴۱..... گٹھنگوی دوم: ۳۰ نومبر ۱۹۹۸
- ۵۹..... گٹھنگوی سوم: ۱۰ اکتبر ۱۹۹۹
- ۷۱..... گٹھنگوی چہارم: ۸ آوریل ۲۰۰۰
- ۸۷..... گٹھنگوی پنجم: ۱۸ ستمبر ۲۰۰۰
- ۱۰۱..... گٹھنگوی ششم: ۱۶ می ۲۰۰۱
- ۱۱۱..... گٹھنگوی ہفتم: ۵ آوریل ۲۰۰۲

مقدمه مایکل اوپینگ

در آوریل ۱۹۹۷، آرشیستکت تادائوآندو، برای طراحی موزه هنر مدرن فورت ورث (در تگزاس) انتخاب گردید. آندو چندین مرتبه به فورت ورث سفر کرد تا در مورد پروژه با کمیسیون مسئول نظارت بر کارهای ساختمانی و گروه موزه به مذاکره بنشیند. بعد از یکی از این جلسات، من از او درخواست کردم تا در مسافرت آتی خود، زمان اندکی را به انجام یک گفتگوی مختصر اختصاص دهد. هفت گفتگو در فاصله زمانی چهارسال صورت گرفت. این گفتگوها همیشه با حضور یک مترجم برگزار گردید. نیت اولیه من از انجام این گفتگوها، تنها صحبت درباره پروژه مان - موزه هنرهای مدرن - بود. بلافاصله بعد از آغاز گفتگو، آندو میدان گفتگو را باز کرد و به آن وسعت داد؛ بچه‌ها، دانشجویان، بوکس، فلسفه زن، پانتئون و همچنین ساختن بتن، لوئی کان، تاریکی تشک‌های تاتامی، پست مدرنیسم و غیره.

همانطور که ملاحظه خواهید کرد، من یک تاریخ‌نگار یا تاریخ‌دان معماری نیستم. در بهترین صورت، من یک دانشجو لبریز از شوق و علاقه هستم و هدف گفتگوهایی که به دنبال این مصاحبه ارائه می‌گردند، ارائه مقدمه یا دیباچه‌ای است بر فلسفه آندو، به کلیه کسانی که بدون آنکه متخصص یا حرفه‌ای باشند، نسبت به آثار او، از خود علاقه‌ای نشان می‌دهند. یکی از مشهودترین و چشم‌گیرترین اصول این فلسفه، این است که معماری مجموعه‌ای پیچیده از استراتژی‌های سبک‌گرایانه نیست، بلکه معماری یکی از تجلیات و بیان‌های بنیادی، اساس شعور و آگاهی است؛ یا همان‌طور که لوکوربوزیه گفته است - لوکوربوزیه‌ای که اسم خود را به سگ مورد علاقه آقای آندو داده است - معماری تفکری است عمیق درباره «خود و اصل تمدن».

اگر آقای آندو به تاریخ معماری می‌پردازد و آن را توضیح می‌دهد، همیشه برای فهمیدن و پی بردن بهتر و آن هم از نقطه نظر عملی، به نیازهای اساسی انسان است و از سوی دیگر، برای نشان دادن اینکه کار کردن و برخورد احترام‌آمیز با مصالح می‌تواند، نه تنها باعث درک و فهم فضا و مهار آن می‌گردد، بلکه به فضا و هم چنین آنهایی در آن اقامت می‌گزینند، شایستگی و منزلت نیز می‌دهد.

شاید ذات و جوهره شخصیت آقای آندو در احساس نیاز کردن به دادن شکل مادی به یک احساس یا یک اندیشه از طریق حساسیت‌ها و ظرافت‌های ترسیم و طرح یا وزن و جاذبه بتن می‌باشد. این شخصیت از این تأثیر پذیرفته است که بدون توقف خط می‌کشد. از ابتداء تا انتهای هر گفتگو، آقای آندو بدون تغییر یک مداد یا خودنویس را بر می‌داشت و به منظور توضیح و بیان این یا آن فکر به کشیدن خطوط می‌پرداخت. بعد از هر مصاحبه من ورق‌های کاغذی که روی آنها خط کشیده شده بود، مستقل از کاراکتر نهفته و پنهان این ترسیم‌ها، در پوشه‌ای نگهداری می‌کردم. بسیاری از ترسیم‌ها در این کتاب آورده شده‌اند.

ما این دسرها را در همان جایی که در هنگام گفتگو سبز شدند گذارده‌ایم. بعضی از این دسرها مستقیماً در رابطه با ایده‌ای است که آقای آندو در حال توضیح دادن آنها بوده است و بعضی دیگر از دسرها انتزاعی‌تر هستند و می‌توانند ارتباطی غیرمستقیم با گفتگو داشته‌باشند. ما ترجیح داده‌ایم که توضیحی درباره آنها ندهیم و خواننده را آزاد بگذاریم که خود رابطه‌ای با آنها برقرار کند. مایل هستم از ژونی‌شی انوماتا که مترجم دو مصاحبه اولی بوده است تشکر کنم؛ همچنین از کولاپات یان‌تراسات که دیگر مصاحبه‌ها را ترجمه کرده است و در طول تمام مصاحبه‌ها، مصاحب ارزشمندی بوده است، تشکر نمایم. همچنین مایل هستم مراتب قدردانی خود را از مارلا پیرایس رئیس موزه هنر مدرن فورت ورث برای پشتیبانی مداوم ایشان ابراز دارم. خانم یومیکو آندو و خانم ماساتاکا یانو نیز سهم به‌سزایی در این گفتگوها داشته‌اند، لازم می‌دانم در اینجا مراتب سپاس و قدردانی خود را ابراز دارم.

و بالاخره می‌خواهم از آقای آندو برای صبر و حوصله‌ای که نشان داده و بهره‌ای که از سخنان ایشان برده‌ام که باعث غنای دانسته‌هایم در زمینه معماری و نیز فرایند خلق و ابداع به طرق مختلف، گردیده است، سپاس‌گزاری نمایم. امیدوارم آنهایی که این گفتگوها را خواهند خواند، بتوانند شناخت و برداشتی از این انسان و معماری او همان‌گونه که من شانس و اقبال آن را داشتم، به دست آورند.

مقدمه مترجم

آندو خود معمایی است؛ از زندگی شخصی و گذشته او اطلاع دقیقی در دست نیست و اطلاعات پراکنده و اندکی درباره او وجود دارد.

آنچه می‌دانیم اینکه او معماری خود آموخته است که سفر و مشاهده دقیق و عمیق کارهای معماری معماران سرشناس معاصر و معماری غرب، رم، یونان و... در ساختار ذهنی و بینش معماری او نقش به‌سزایی داشته است که خود به آن اشاره مستقیم دارد. معمار خود ساخته ژاپنی، یکی از معماران مطرح و شناخته شده جهانی در زمان حال می‌باشد که در کشور ما تنها از طریق یادداشت‌های کوتاه و مختصر و یا ارائه و معرفی بعضی از کارهای او شناسانده شده است.

آنچه در کتاب حاضر ارائه می‌گردد، حاصل تعدادی مصاحبه و گفتگوست که بدون هدف از قبل تعیین شده آندو را نه تنها به دوران کودکی و نوجوانی او برمی‌گرداند، بلکه از اولین کارهای معماری او و محیطی که در آن بزرگ شده است حکایت می‌کند و روایت‌کننده این دوران و مقاطع بسیار تأثیرگذار بر شخصیت حرفه‌ای او از یکسو و نگاه او به معماری خود آندو می‌باشد. اهمیت این گفته‌ها که در نهایت برای خواننده شخصیت این معمار را تصویر می‌کند از آنجا ناشی می‌گردد که به دلیل لحظه‌ای بودن این گفتگو و خودجوش بودن پاسخ‌ها و طبیعی بودن این روند، آندو آنچه را در دل دارد و احساس می‌کند، بیان می‌نماید و اگر اندکی دقت شود ملاحظه خواهیم کرد که هر چند موضوع گفتگو نقد یکی از آثار او در آمریکا (موزه فورت ورث) می‌باشد، اما هم جهت پرسش‌ها و هم پاسخ‌های ارائه شده نه تنها به بیشترین زمینه‌های معماری کشیده می‌شود، بلکه بسیاری از وجوه شخصیت این معمار نیز روشن می‌گردد. به شکلی که مایکل اوپینگ که گفتگوهای فوق را سازمان داده است می‌گوید: «من یک تاریخ‌نگار یا تاریخ‌دان نیستم، در بهترین صورت یک دانشجوی لبریز از شوق و علاقه هستم و هدف گفتگوهایی که به دنبال این مصاحبه ارائه می‌گردند، ارائه مقدمه و دیباچه‌ای است بر فلسفه آندو.»

معماری تنها جمعیت و یا گروه نخبه و آشنا به معماری را مخاطب قرار نمی‌دهد و نباید تنها مخاطبین معماری، معماران و یا کسانی باشند که شناختی از معماری و یا دیگر هنرها دارند، بلکه

معماری همه انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد و در طول تاریخ چنین بوده است؛ زیرا در تمام طول تاریخ معماری، این هنر و یا شیوه بیان یعنی «فضای مصنوع» ایجاد شده توسط انسان، بستر تمام فعالیت‌ها و زندگی او را به وجود آورده و بر آن تأثیر مستقیم و درخور توجهی داشته است. بنابراین معماری موضوع جامعه انسانی است و این گفتگو در صدد است تا ارائه دهنده فلسفه آندو باشد به کلیه کسانی که بدون آنکه متخصص یا حرفه‌ای باشند، از خود علاقه‌ای نسبت به شخصیت و آثار او نشان می‌دهند. یکی از مشهورترین اصول این فلسفه این است که «معماری مجموعه‌ای پیچیده از استراتژی‌های سبک‌گرایانه نیست بلکه معماری یکی از تجلیات و بیان‌های بنیادی، اساس شعور و آگاهی است؛ یا همان طور که لوکوربوزیه گفته است، معماری تفکری است عمیق درباره «خود و اصل تمدن»...».

معماری جدای از انسان و خواسته‌ها و تمایلات او معنایی ندارد و شاید بتوان گفت دلیل وجودی نمی‌تواند داشته باشد و موضوع توجه همه معماران انسان و تاریخ جوامع بشری بوده و آندو این معمار اومانیست نیز اگر به تاریخ معماری می‌پردازد و آن را می‌شکافد، همیشه در جهت فهمیدن و پی بردن بهتر و آن هم از نقطه نظر عملی از سویی به نیازهای اساسی انسان و از سوی دیگر، برای نشان دادن اینکه کار کردن و برخورد احترام‌گونه به مصالح می‌تواند نه تنها باعث درک فضا و مهار آن گردیده، بلکه به فضا این جوهره و ذات معماری از دید آندو که آن را بر حجم مقدم می‌داند و آنهایی که در آن اقامت می‌گزینند (انسان‌ها) شایستگی و منزلت می‌دهد.

معماری از جنس مفهوم و اندیشه است و نه از جنس فیزیک و اگر حاصل و روند اندیشه به بیان فیزیکی می‌انجامد. اگرچه آندو با توجه به مسیری که پیموده به جنبه فیزیکی اهمیت می‌دهد و از آن صحبت می‌کند، اما در دید و نگاه او انسان و فرهنگ و محیط او همیشه حضور دارد و مکان و مقامی درخور توجه به کار دستی و لمس کردن و درهم آمیختن تئوری و عمل می‌دهد. در خلال این گفتگو که او را به دوران و محیطی که در آن بزرگ شده است می‌کشاند، او از تأثیر این محیط بر خود سخن می‌گوید و به نتیجه این آثار در دیگر معماران از جمله لویی کان اشاره‌ای دارد. آندو

از آن به عنوان آثار جراحی پس از ترمیم یاد می‌کند و می‌گوید که «آثار این جراحی پس از التیام وجود دارند و با شما هستند». آندو خود را در حاشیه جریان هنر مدرن توکیو مطرح می‌کند و به آن نه به عنوان یک کمبود، بلکه یک واقعیت می‌پردازد.

در شکل‌گیری فضای مادی و غیر مادی معماری یاد می‌کنیم که میزان و نوع تأثیر این عوامل بر اثر بستگی به شرایط و نوع اثر و خواسته‌ها و... متفاوت خواهند بود، نقش این فاکتورها را در کار آندو می‌توان به وضوح مشاهده کرد و در این گفتگو او خود از آن سخن می‌راند؛ نور، شفافیت، کدر بودن و سختی در بسیاری از المان‌های معماری موزه فورت ورث به وضوح قابل لمس است. تأثیر نور به عنوان فاکتور غیر مادی بر دیوار بتنی به عنوان فاکتور مادی و حالت‌های مختلفی که این دیوار بتنی در برابر تابش نور در ساعات مختلف روز نسبت به جهت می‌تواند از خود نشان دهد و در نتیجه احساسی که از فضا و مکان ایجاد می‌شود، بحث می‌گردد.

هندسه و نقش آن در معماری یکی از مباحثی است که همیشه جایگاه بسیار با اهمیت خود را داشته است. هر چند گاهی در گفته‌های آندو از فضا بیشتر صحبت می‌شود تا حجم، اما نقش هندسه و مفهوم شکل هندسی و ارزش‌های نمادین که در شکل وجود دارد و یا شکل می‌تواند به وجود آورده و مبین آن باشد نیز ذهن او را به خوبی به خود واداشته است؛ به طریقی که در نقد موزه فورت ورث او می‌خواهد که در نهایت بنا به تصویر یک قو منعکس در آب تبدیل شود.

معماری هنری است که انسان در طول تاریخ برای برآوردن نیازهای خود چه نیاز مادی و چه معنوی به آن پرداخته است و فضای معماری بدون انسان قابل تصور نمی‌باشد. معماری و انسان همیشه نکته اساسی مورد توجه همه آرشیست‌ها بوده است. انسان و تمایلات او در فلسفه کاری آندو و در شخصیت این معمار مقام والایی دارد. به خلاصه‌ای از ذهنیت او درباره بنا و معماری که در آن از خانه به عنوان بنا یاد می‌شود، بسنده می‌کنیم: «خانه از کالبد یا جسم محافظت می‌کند که به نوبه خود در برگیرنده روح و روان آدمی است. خانه باید هم‌زمان امنیت و آسایش را برای جسم و روح به همراه داشته باشد. همانطور که کالبد انسان در درون خود باید خود را با روح

در آسایش و صلح احساس کند، یک بنا نیز برای ما باید راحتی و آسایش یعنی حفاظت و امنیت را تأمین کرده و نیز مکان‌هایی برای اندیشه و تفکر و پرداختن به خود و نیایش و برآورده کردن نیازهای روحی، روانی، مادی و معنوی او یعنی انسان در تمام ابعاد او، به وی تقدیم کند؛ یعنی مکان اندیشیدن به رابطه هر انسان با جهان.

در این اثر و همچنین کتاب اول از این مجموعه که گفتگو با رنزو پیانو است، با دو دیدگاه معماری و دو متفکر و انسان روبرو هستیم که یکی از درون دانشکده‌های دنیا، در آمریکا و ژاپن کرسی فلسفه را در اختیار دارد و یا داشته است.

هرچند در بیان و گفتار و شیوه استدلال این دو معمار و متفکر تفاوت چشمگیری مشاهده و حس می‌گردد؛ آندو، کوتاه و منقطع صحبت می‌کند و به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازد اما پیانو، با سبک رتوریک و نطق گونه که ناشی از تفاوت تربیتی این دو معمار است. در برابر مسائل اساسی معماری و ارزش‌ها و شیوه پرداختن به معماری و نگاه هرچند نزدیک هر دو دیدگاه یا حساسیت‌های نزدیک به هم، به خوبی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای احساس می‌گردد.

انسان و جایگاه و مقام او و خواسته‌ها و تمایلات و ارزش‌های او در مرکز دل مشغولی آندو به وضوح دیده می‌شود. شناخت تاریخ و فرهنگ، فلسفه و باور و احترام به انسان و محیط و بستر هیچگاه از ذهن و سخن و عمل آنها دور نبوده و نمی‌شود. نکته آخر اینکه یکی از فاکتورهای اساسی که به علت به فراموشی سپردن آن، شاهد مشکلات بسیاری چه در زمینه معماری و شهرسازی - برای آنکه تنها از این دو سخن بگوییم - شده است نیز بسیار مورد توجه و استناد این دو معمار بزرگ بوده و هست؛ اخلاق، این حلقه مفقوده، در پاره‌ای مواقع و محیط‌ها ارزش مرکزی و تعهد حرفه‌ای آنان است.

این کتاب گفتگویی است با **تادو آندو** معمار خود ساخته ژاپنی که در زمان اجرای موزه فورث وورث در آمریکا و در جریان مسافرت‌های متعدد با او انجام شده است. آندو ضمن معرفی خود و محیط اجتماعی که در آن بزرگ شده و تأثیر شهر اوزاکا که از دیدگاه آندو در حاشته فرهنگی ژاپن و خصوصاً توکیو از نظر هنر مدرن قرار دارد، از دیدگاه‌ها و باورهای خود در معماری سخن می‌گوید.

آندو از نقش عناصر مادی و غیر مادی معماری مانند نور، شفافیت و سختی در قالب یکی از کارهای خود سخن می‌گوید؛ تأثیر نور به عنوان فاکتور غیر مادی بر دیوار بتنی موزه فورث وورث به عنوان فاکتور مادی و حالت‌های مختلفی که این دیوار در برابر تابش نور و در ساعات مختلف و حتی نسبت به جهت و محل تابش نور از خود نشان می‌دهد، بر ادراک فضا و احساس حاصل از آن تأثیر می‌گذارد. نقش هندسه در معماری و مفهوم و ارزش‌های نمادین شکل و دلیل استفاده از آن در کارهای مختلف او، موضوعی است که ذهن او را به خود مشغول کرده است. وی از تأثیر معماری غرب بر خود سخن می‌راند، اما جایگاه فلسفه ژاپن را در کارها و شخصیت خود محکم می‌داند. او به استفاده از دست‌های خود و تجربه عملی، ارزش داده و بر شناخت، دانش و آگاهی در کنار داشتن ذوق و قریحه نیز تأکید زیادی دارد.

انسان و ارزش‌های و تمایلات او در فلسفه کاری آندو و باور این معمار، مقام والایی دارد؛ «خانه از کالبد یا جسم محافظت می‌کند که به نوبه خود در برگیرنده روح و روان آدمی است. خانه باید همزمان امنیت و آسایش را برای جسم و روح به همراه داشته باشد. همانطور که کالبد انسان در درون باید خود را با روح در آسایش و صلح احساس کند، یک بنا نیز برای ما می‌باید راحتی و آسایش، حفاظت و امنیت را تأمین کرده و مکان‌هایی برای اندیشه و تفکر و پرداختن به خود و نیایش و برآورده کردن نیازهای روحی، روانی، مادی و معنوی انسان در تمام ابعادش را به او تقدیم کند؛ مکان واقعی اندیشیدن به رابطه هر انسان با جهان.»

آندو که در سال ۱۹۴۱ در اوزاکا متولد شده، برخاسته از درون اجتماع است و تحصیلات دانشگاهی نداشته، خود در دانشگاه‌های توکیو و هاروارد به تدریس فلسفه‌های معماری می‌پردازد.



شهرسازی
معماری و
کتابخانه تخصصی